



The Relationship between Earnings Management, Related Party Transactions and Firm Performance with the Mediation of the Role of Internal Control

Hossein Shiri ¹, Rasool Yarifard ¹

1. MA, student, Department of Accounting, Shahab Danesh University, Qom, Iran (Corresponding Author).
2. Assistant Professor, Department of Accounting, Shahab Danesh University, Qom, Iran.

❖ Corresponding Author Email: yari_fard@yahoo.com

Journal Info:

Volume 2, Issue 1 Spring 2023
Pages: 51-65

Article Dates:

Receive: 2023/03/04
Accept: 2023/05/12
Published: 2023/06/21

Keywords:

Internal Control, Company
Performance, Profit
Management, Transaction With
Related Parties

The main purpose of the current research was to determine the relationship between profit management, transactions with related parties and company performance with the moderating role of internal control in companies listed on the Tehran Stock Exchange during the years 2013 to 2021. This research is from the perspective of the implementation process of a quantitative research, from the perspective of the result of its implementation, an applied research, from the perspective of the goal of conducting an analytical research, from the perspective of the logic of conducting a deductive-inductive research, and from the perspective of the time dimension of a longitudinal research. So it is an event. The information used in this research was collected using the library method and the software of Rehvard-Noin and Tadbir Pardaz and the database of the Statistics Department of the Stock Exchange Company. The studied population was all the companies accepted in the Tehran Stock Exchange, 121 companies were selected as a statistical sample by systematic elimination method. In this research, Excel software was used for data processing and Eviews software was used for data analysis. The results of the panel data model showed that there is a positive and significant relationship between real profit management and accrual-based profit management with the financial performance of companies. The results showed that the quality of internal control can play a moderating role on the relationship between real profit management and financial performance of companies. In other words, the results showed that the quality of internal control can increase the effect of real profit management on the financial performance of companies from 0.2267 to 0.2837 units.

Article Cite:

Shiri H, Yarifard R. (2023). The Relationship between Earnings Management, Related Party Transactions and Firm Performance with the Mediation of the Role of Internal Control, *Dynamic Management and Business Analysis*. 2(1): 51-65



[10.22034/dmbaj.2024.2022834.1018](https://doi.org/10.22034/dmbaj.2024.2022834.1018)



Creative Commons: CC BY 4.0



ارتباط مدیریت سود، معاملات با اشخاص وابسته و عملکرد شرکت با میانجیگری نقش کنترل داخلی

حسین شیری^۱، رسول یاری فرد^{۲*}

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشگاه شهاب دانش، قم، ایران

۲. استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه شهاب دانش، قم، ایران (نویسنده مسئول).

✦ ایمیل نویسنده مسئول: yari_fard@yahoo.com

اطلاعات نشریه:

دوره ۲، شماره ۱، بهار ۱۴۰۲

صفحات: ۵۱-۶۵

تاریخ های مقاله:

دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۳

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۲

انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۳۱

واژگان کلیدی:

کنترل داخلی، عملکرد شرکت، مدیریت سود، معامله با اشخاص وابسته

هدف اصلی پژوهش حاضر تعیین رابطه بین مدیریت سود، معاملات با اشخاص وابسته و عملکرد شرکت با نقش تعدیل کننده کنترل داخلی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰ بود. این پژوهش از منظر فرآیند اجرا یک پژوهش کمی، از منظر نتیجه اجرای آن یک پژوهش کاربردی، از منظر هدف اجرا یک پژوهش تحلیلی، از منظر منطق اجرا یک پژوهش قیاسی-استقرایی و از منظر بعد زمانی یک پژوهش طولی است. اطلاعات مورد استفاده در این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه ای و نرم افزار ره آورد نوین و تدبیر پرداز و بانک اطلاعاتی اداره آمار شرکت بورس جمع آوری شد. جامعه مورد بررسی تمامی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بود که تعداد ۱۲۱ شرکت با روش حذف سیستماتیک بعنوان نمونه آماری انتخاب شدند. در این پژوهش جهت پردازش داده ها از نرم افزار Excel و برای تحلیل داده ها از نرم افزار Eviews استفاده شد. نتایج حاصل از الگوی پانل دیتا نشان داد که بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی با عملکرد مالی شرکت ها رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. نتایج نشان داد، کیفیت کنترل داخلی می تواند بر رابطه بین مدیریت سود واقعی و عملکرد مالی شرکت ها نقش تعدیلگری ایفا کند. عبارتی نتایج نشان داد که کیفیت کنترل داخلی می-تواند تاثیر مدیریت سود واقعی بر عملکرد مالی شرکت ها را از ۰/۲۲۶۷ به ۰/۲۸۳۷ واحد افزایش دهد.

استناد به مقاله:

شیری ح، یاری فرد ر. (۱۴۰۲). ارتباط مدیریت سود، معاملات با اشخاص وابسته و عملکرد شرکت با میانجیگری نقش کنترل داخلی، مدیریت پویا و تحلیل کسب و کار. (۱۲): ۵۱-۶۵.



مقدمه

امروزه حداکثر سازی سود یکی از اهداف اصلی شرکت‌ها در دنیای تجارت پیچیده و بسیار رقابتی است. بنابراین نمی‌توان نقش مهم صورت‌های مالی را در بازار سرمایه نادیده گرفت. طبق هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی؛ هدف گزارشگری مالی ارائه اطلاعاتی است که برای سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایرین در اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری، اعتبار و تخصیص منابع مفید باشد (سوانسکی، ۲۰۲۰). با تکیه بر نظریه نمایندگی (راس، ۱۹۷۳)، انگیزه ارائه نادرست عملکرد شرکت ریشه در تضاد منافع بین مدیران و سهامداران به دلیل جدایی مالکیت از مدیریت دارد (حسن و احمد، ۲۰۱۲؛ صالحی و همکاران، ۲۰۱۹؛ د-اودکم، ۲۰۲۱). برای بهبود گزارشگری مالی، مدیران مجازند در اتخاذ روش‌های گزارشگری که با اقتصاد شرکت مطابقت دارد، قضاوت کنند. با این حال، فرصت‌هایی را برای آنها ایجاد می‌کند تا سود را دستکاری کنند. مدیران سعی می‌کنند گام‌های آگاهانه‌ای را در محدوده اصول پذیرفته شده حسابداری بردارند تا سود گزارش شده را در سطح سود مطلوب ببینند (صالحی و همکاران، ۲۰۲۰). با توجه به اینکه صورت‌های مالی عملکرد شرکت را همراه با شایستگی مدیریتی منعکس می‌کنند، مدیران احتمالاً در تحریف درآمد‌ها در چارچوب نظارتی شرکت می‌کنند تا القا کنند که مدیران خوبی هستند (حسن و احمد، ۲۰۱۲). این شیوه حسابداری تهاجمی زمانی قابل توجه می‌باشد که مدیران انگیزه‌های قوی مانند به حداکثر رساندن پاداش‌های مدیریتی، نگرانی شغلی، ارتقای شهرت، به حداقل رساندن بار مالیاتی، تأثیرگذاری بر مذاکرات نیروی کار، کاهش هزینه‌های نمایندگی و افزایش مزایای نظارتی داشته باشند (فان و همکاران، ۲۰۱۰؛ حسن و احمد، ۲۰۱۲؛ رودریگز-آریزا و همکاران، ۲۰۱۶؛ آجینا و حبیب، ۲۰۱۷).

از طرفی گزارش مالی انگیزه‌ای را برای شرکت برای انجام مدیریت سود فراهم می‌کند. مدیریت حق دارد سیاست‌های حسابداری یا اقدامات خاصی را انتخاب کند که می‌تواند بر درآمد آن تأثیر بگذارد، که بر تعداد اهداف سود تأثیر گذارد (اسکات و اوبراین، ۱۹۹۷؛ پنمن، ۲۰۱۳). عملکرد مدیریت سود در مقایسه با مدیریت سود کارآمد، منجر به مدیریت سود مضر برای برخی از طرف‌ها یا مدیریت سود فرصت‌طلبانه می‌شود (عزیزا، ۲۰۱۷). مدیریت سود کارآمد برای کمک به شرکت‌ها در مواجهه با شرایط غیر منتظره در آینده انجام می‌شود. در مقابل، مدیریت سود فرصت‌طلب یک مدیریت سود پیشرفته است که توسط مدیریت برای منافع خود، مانند مشوق‌هایی برای دستیابی به اهداف انجام می‌شود (سوباستیان، ویدادگو و ستیاوان، ۲۰۲۱).

یکی از راه‌های مدیریت سود گزارش شده از طریق معاملات با اشخاص وابسته است (مایگوشی و همکاران، ۲۰۱۶). که بر کیفیت سود تأثیر می‌گذارد (رحمت و همکاران، ۲۰۲۰). معامله با اشخاص وابسته راهی برای افزایش سود مدیریت و کنترل سهامداران است زیرا مقررات حاکم بر حمایت از سرمایه‌گذاران عمومی در برخی از مواقع دچار ابهام می‌شود (حبیب و همکاران، ۲۰۱۷). همچنین، معاملات اشخاص وابسته به دلیل تونل زدن (تضاد بین سهامداران کنترل کننده و منافع غیر کنترلی به دلیل تفاوت در ساختار مالکیت) توسط سهامدار کنترل کننده می‌تواند برای سهامداران مضر باشد (خاریستا و همکاران، ۲۰۲۰). بنابراین در نظر گرفته می‌شود که مدیریت سود انجام شده از طریق معاملات اشخاص مرتبط با هدف به حداکثر رساندن منافع شخصی از طریق انتقال مقدار معینی از وجوه شرکت به شرکت‌های وابسته برای اهداف خاص و سپس دستکاری آن با اقدامات مدیریت سود انجام می‌شود (کوان و همکاران، ۲۰۱۸). رفتار فرصت‌طلبانه مدیریت سود نیز تحت تأثیر نابرابری اطلاعات نگهداری شده توسط اشخاص داخلی (اطلاعات عدم تقارن) مدیریت شرکت با سایر طرف‌ها، مانند سهامداران اقلیت یا اشخاص خارجی به عنوان استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی است (مارجونو و همکاران، ۲۰۲۰). زمانی که مدیریت سود را از طریق معاملات اشخاص وابسته بدون افشای کافی انجام می‌دهد یا بر اساس مقررات مربوط به نحوه افشای معاملات با اشخاص وابسته نیست، تضاد منافع در روابط بین مدیریت شرکت و سهامداران جزئی ایجاد می‌کند (سوباستیان، ویدادگو و ستیاوان، ۲۰۲۱).

در مورد بازار ایران، می‌توان گفت که ایران در دهه گذشته با بدترین تحریم‌های شدید اقتصادی مواجه بوده است که باعث شده بسیاری از شرکت‌های آن با مشکلات مالی باورنکردنی دست و پنجه نرم کنند. با توجه به اینکه وام‌دهندگان و سرمایه‌گذاران نمی‌توانند به سادگی به چنین شرکت‌هایی که ریسک

¹ International Accounting Standards Board

² Sovaniski

³ Ross

⁴ Hassan and Ahmed

⁵ Salehi et al

⁶ d'Udekem

⁷ Fan et al

⁸ Rodriguez-Ariza et al

⁹ Ajina and Habib

¹ Scott & O'Brien

0

¹ Penman

1

¹ Azizah

2

¹ Subastian, Widagdo & Setiawan

3

¹ Maigoshi et al

4

¹ Rahmat et al

5

¹ Habib et al

6

¹ Kharista et al

7

¹ Kuan et al

8

¹ Mardjono et al

9

سقوط بالایی دارند اعتماد کنند، انتظار می رود شرکت ها تصویر زیبایی از وضعیت مالی خود به نمایش بگذارند تا بتوانند منابع مالی بهتری به دست آورند و سرمایه گذاران بیشتری را جذب کنند. علاوه بر این، از آنجایی که عملکرد مدیریت عمدتاً بر اساس سودآوری شرکت در بازار ایران ارزیابی می شود، مدیران تمایل دارند تا حد امکان سود را دستکاری کنند تا غرامت بیشتری دریافت کنند و شغل خود را از دست ندهند. نکته جالب دیگر این است که کیفیت نظارت بر سیستم کنترل داخلی در شرکت های ایرانی به اندازه کشورهای توسعه یافته مناسب نیست (زیمون و همکاران، ۲۰۲۰).

تاکنون تحقیقات بسیاری در مورد تأثیر مدیریت سود بر عملکرد مالی شرکت انجام شده است، در حالی که برخی دیگر بر رابطه بین معاملات اشخاص وابسته و ارزش شرکت متمرکز شده اند که هر کدام به دلایل مختلف نتایج متفاوتی داشته اند. این شکاف به طور کامل در ادبیات تحقیق برای بررسی همزمان اثرات مدیریت سود و همچنین معاملات اشخاص وابسته بر عملکرد مالی شرکت در طول بحران مالی احساس می شود. با توجه به ویژگی های خاصی که در مورد وضعیت کنونی بازار ایران ذکر شد، این تحقیق به دنبال این است که ببیند آیا مدیران برای بهبود وضعیت اقتصادی شرکت ها، فرصت طلبانه رفتار می کنند یا به دنبال مدیریت سود کارآمد هستند. ما می خواهیم بدانیم که آیا مدیران معاملات با اشخاص وابسته را به عنوان مبادلات تجاری سالم برای رفع نیازهای اقتصادی شرکت در نظر می گیرند یا به دلیل منافع متضاد، آن را به عنوان ابزاری برای بهره برداری از منابع شرکت در نظر می گیرند. همچنین این سوال مطرح می شود که آیا ضعف در سیستم کنترل داخلی باعث تغییرات در مدیریت سود می شود؟ بنابراین، نتایج این پژوهش می تواند خلأ ایجاد شده در این زمینه را تا حد زیادی پر کند و پل محکمی بین ادبیات پژوهشی گذشته و حال ایجاد کند.

مبانی نظری

کنترل داخلی

کنترل داخلی بعد مهمی از سیستم مدیریت یک سازمان و توانایی مدیریت ریسک های غیرضروری است و وجود آن برای دستیابی به اهداف سازمان و ایجاد، بهبود و حمایت از ارزش سهامداران ضروری است. یک سیستم کنترل داخلی مؤثر همچنین مزیت رقابتی ایجاد می کند. زیرا سازمانی که کنترل داخلی موثری داشته باشد قادر است با ریسک های بیشتری مقابله کند (فدراسیون بین المللی حسابداران، ۲۰۱۳). طبق تعریف کوزو، مفهوم کنترل داخلی فرآیندی است که توسط هیئت مدیره، مدیران و سایر کارکنان برای اطمینان از چارچوب پذیرش برای دستیابی به اهداف سازمانی مرتبط با عملیات، گزارش دهی و انطباق طراحی می شود. کنترل های داخلی با توجه به استراتژی واحد تجاری کاربردهای مختلفی دارند. هنگامی که اندازه سازمان گسترش می یابد، فرآیندهای کنترل آن تخصصی تر و پیچیده تر می شوند. کنترل داخلی یک سیستم پویا است که انواع خطرات و انحرافات از سیاست ها و رویه ها را پوشش می دهد (ملکی، صفوی هیر و نظیری، ۱۳۹۹).

کنترل داخلی فرآیندی است که برای کسب اطمینان معقول (در رابطه با دستیابی به اهداف تعیین شده توسط هیئت مدیره، مدیریت و سایر کارکنان یک واحد اقتصادی) استفاده می شود. حسابرس باید از کنترل های داخلی مرتبط با حساسی آگاهی کسب کند. حسابرس باید از کنترل های داخلی آگاهی کسب کند تا انواع تحریف های بالقوه ارزیابی عوامل مؤثر بر خطرات تحریف با اهمیت و طراحی، ماهیت زمان اجرا و میزان روش های حساسی مورد استفاده را شناسایی کند. گزارشگری مالی مؤثر و کارایی عملیاتی و انطباق با قوانین و مقررات مربوطه، کنترل های داخلی برای شناسایی ریسک های تجاری که دستیابی به هر یک از این اهداف را تهدید می کنند، طراحی و اجرا می شوند (لنگ و لی، ۲۰۱۲).

این اهداف به پنج گروه زیر دسته بندی می شوند:

اثر بخشی و کارایی عملیات قابلیت اعتماد گزارش دهی مالی

رعایت قوانین و مقررات مربوط

تشویق کارکنان به رعایت رویه های واحد تجاری و سنجش میزان رعایت رویه ها

حفاظت دارایی ها در برابر ضایع شدن سوء استفاده و تقلب

عملکرد شرکت

اندازه گیری عملکرد یک مفهوم مهمی است که تعریف نمودن آن مشکل می باشد. عملکرد واحد های اقتصادی براساس دستیابی به اهداف تعیین شده کوتاه مدت و بلند مدت اندازه گیری می شود. از این رو عملکرد معیار مناسبی به منظور دسترسی به اهداف تعیین شده قلمداد می گردد (محمود و همکاران، ۲۰۲۳). در فضای رقابتی کنونی که یکی از ویژگی های بارز آن کمبود منابع است، مدیریت عملکرد و ارزیابی نقشی حیاتی برای سازمان ایفا می کند و سازمان برای ارائه بازخورد به مدیران در مورد دستیابی به اهداف استراتژیک، بر ارزیابی عملکرد تکیه می کند. بیشتر تصمیمات مربوط به حوزه های اقتصادی، صنعتی، مالی و یا حتی سیاسی موضوعات چند شاخصی است. توجه به مطلوبیت و ترجیحات تصمیم گیرندگان در حل این نوع مشکلات بسیار مهم است. ارزیابی عملکرد یکی از اقدامات اساسی و ضروری در برنامه ریزی و هدف گذاری برای مدیران است، در واقع ارزیابی نه تنها به مدیران در انتخاب استراتژی و ساختار مالی

2 Zimon et al	0
2 IFAC	1
2 Leng & Li	2
2 Muhammad et al	3

کمک می کند، بلکه نشان می دهد که استراتژی ها و ساختار مالی چگونه بر ارزش بازار سهام اثر می گذارد. بنابراین اندازه گیری عملکرد شرکت ها ارزیابی کلی از وضعیت مالی و نتایج عملیات به منظور اتخاذ تصمیمات منطقی است (غفاری فرد و زاهدی، ۱۳۹۸).

مدیریت سود

در ادبیات حسابداری، مدیریت سود از موضوعاتی است که درخصوص سود حسابداری مطرح می شود. این مبحث از اوایل قرن بیست میلادی به بعد، توسط پژوهشگران رشته حسابداری شکل گرفته است. هر یک از آنان از زوایای خاص و با عناوین متفاوتی مانند دستکاری سود^۲، هموارسازی سود^۳ و در نهایت مدیریت سود، به موضوع پرداخته اند. در ادبیات حسابداری، مدیریت سود به عنوان گزارش نادرست سطح عملکرد اقتصادی شرکت توسط افراد درون سازمانی (به ویژه مدیریت) تعریف می شود که با هدف گمراه کردن ذینفعان و دست اندرکاران بازار سرمایه صورت می گیرد (هیلی و والن، ۱۹۹۳).

در ادبیات حسابداری تعاریف مختلفی در مورد مدیریت سود توسط محققین ارائه شده است. شپپر (۱۹۸۹) مدیریت سود را این چنین تعریف نموده است: دخالت عمدی در فرآیند گزارشگری برون سازمانی با هدف بدست آوردن برخی مزایای شخصی از سوی مدیران یا سهامداران. وی می افزاید: تعریف جامع تر مدیریت سود باید دربرگیرنده مدیریت سود واقعی ایجاد شده از راه تصمیمات زمان بندی سرمایه گذاری یا تصمیمات تأمین مالی برای تغییر سود گزارش شده یا برخی از اجزای آن نیز می باشد. ارائه تعریفی مناسب از مدیریت سود مستلزم شناخت هدف و انگیزه از مدیریت سود و کاربرد آن است. فرن و همکاران (۱۹۹۴) مدیریت سود را به عنوان دستکاری سود توسط مدیریت به منظور دست یابی به قسمتی از پیش داوری های مربوط به سود مورد انتظار تعریف می کند. هیلی و والن (۱۹۹۹) معتقدند که مدیریت سود هنگامی رخ می دهد که مدیران از قضاوت های شخصی خود در گزارشگری مالی دست کاری می نمایند. این هدف یا به قصد گمراه نمودن برخی صاحبان سهام در خصوص عملکرد اقتصادی شرکت صورت می گیرد، یا به منظور تأثیر بر نتایج قراردادهایی است که انعقاد آنها منوط به دست یابی به سود مشخصی می باشد. اسکات (۲۰۰۳) به مدیریت سود به عنوان اختیار شرکت در انتخاب سیاست های حسابداری برای دست یابی به برخی اهداف خاص مدیر می نگرد. رونن و یاری (۲۰۰۸) مدیریت سود را مجموعه ای از تصمیمات مدیریتی قلمداد می کنند که به منظور حداکثر کردن ارزش سود، برخی از حقایق کوتاه مدتی را که برای مدیریت شناخته شده اند گزارش نمی کند. بسیاری از پژوهش های انجام شده در حوزه مدیریت سود، بر مدیریت اقلام تعهدی^{۳۳} متمرکز شده اند. با این وجود، استانداردهای حسابداری، قوانین وضع شده (مانند قوانین مالیاتی) و همچنین حسابرسی های سختگیرانه باعث شده تا امکان انجام مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی کاهش یابد و مدیران شرکتها برای دستیابی به سود مورد انتظار، به سوی دستکاری فعالیت های واقعی واحد تجاری روی آورند (رویچوداری، ۲۰۰۶).

معامله با اشخاص وابسته

بر اساس استاندارد حسابداری شماره ۱۲ ایران، معامله با شخص وابسته این گونه تعریف می شود انتقال منابع، خدمات یا تعهدات بین اشخاص وابسته، صرف نظر از مطالبه یا عدم مطالبه بهای آن. رابطه با شخص وابسته می تواند بر وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف پذیری مالی واحد تجاری تأثیر داشته باشد. اشخاص وابسته، ممکن است معاملاتی انجام دهند که اشخاص غیر وابسته انجام نمی دهند. همچنین مبالغ معاملات بین اشخاص وابسته، ممکن است با مبالغ مشابه بین اشخاص غیر وابسته یکسان نباشد. به دلایل مذکور آگاهی از معاملات، مانده حساب های طرفین و رابطه با اشخاص وابسته، ممکن است بر ارزیابی استفاده کنندگان صورتهای مالی از عملیات واحد تجاری، شامل ارزیابی ریسک و فرصت های پیش روی واحد تجاری، تأثیر بگذارد (استانداردهای حسابداری ایران، ۱۳۸۶).

به طور کلی، معاملات با اشخاص وابسته یکی از شایعترین رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت است، که در عین این که از ویژگی های معمول فعالیت های تجاری برخوردار است، می تواند بر عملکرد واحد تجاری نیز تأثیرگذار باشد. بر اساس تئوری نمایندگی تصور بر این است که مدیریت به جهت کسب منافع شخصی اقدام به این گونه معاملات می نماید. در تحقیقات قبلی مشخص شده که رابطه معکوسی بین این گونه معاملات و عملکرد مدیریت در راستای هدف ارزش آفرینی برای سهامداران وجود دارد (خلعتبری لیمای و همکاران، ۱۳۹۱). معاملات اشخاص وابسته که به معاملات تونلی یا معامله با خود معروف هستند و معمولاً معاملات وابسته بدون محافظت و کنترل منجر به منفعت و سود اختصاصی عده ای از سهامداران به هزینه و ضرر دیگر سهامداران می شود (فرید و همکاران، ۱۳۹۶). در صورت وجود رفتار فرصت طلبانه در معاملات، انتظار می رود که میزان معاملات با اشخاص وابسته با متغیرهای بازار شامل سطح تمرکز

2 Earnings Management	4
2 Earnings Manipulations	5
2 Income Smoothing	6
2 Healy, P., and J. M. Wahlen	7
2 Schipper	8
2 Fern & et al	9
3 Healy, P., Wahlen	0
3 Scott	1
3 Ronen	2
3 Accruals	3
3 Roychowdhury	4

مالکیت و نسبت ارزش بازار واحد تجاری به ارزش دفتری خالص دارایی‌ها و متغیرهای راهبردی شرکتی شامل اندازه هیأت مدیره، نسبت مدیران غیرموظف، یکی بودن مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره و اهرم مالی مشاهده شود (شعری و حمیدی، ۱۳۹۱).

وجود معامله با اشخاص وابسته یکی از نشانه‌های حسابداری متهورانه است. از این رو در رسوایی‌های اخیر معاملات با اشخاص وابسته یکی از کانون‌های نگرانی بوده بگونه‌ای که استفاده هدفمندانه از این معاملات و عدم افشای آنها یا ناکافی نبودن افشای آنها از عوامل سقوط شرکت می‌باشد (قنبری و همکاران، ۱۳۹۴). اگر چه تمام معاملات با اشخاص وابسته فرصت طلبانه نیستند، اما نگرش غالب این است که از عوامل تاثیرگذار بر ریسک شرکت بوده و می‌تواند بر ارزش شرکت اثرگذار باشد. در واقع، عدم اطلاع سهامداران و سرمایه‌گذاران از ماهیت معاملات با اشخاص وابسته باعث به وجود آمدن نوعی عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود (شافعیان و همکاران، ۱۳۹۵).

پیشینه پژوهش

پیشینه داخلی

رازمش و نبی زاده (۱۴۰۰)، در پژوهشی به بررسی تأثیر سیستم‌های کنترل داخلی بر رابطه بین مدیریت سود و عملکرد آتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ پرداختند. نتایج آزمون فرضیه نشان داد که مدیریت سود بر عملکرد آتی شرکت تأثیر معکوس دارد. همچنین سیستم کنترل داخلی از طریق وجود حسابرس داخلی رابطه معکوس بین مدیریت سود و عملکرد آتی شرکت را کاهش می‌دهد.

مزرویی نوده و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی به بررسی تأثیر مکانیزم حاکمیت شرکتی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد، شرکت‌هایی که معاملات با اشخاص وابسته دارند نسبت به شرکت‌هایی معاملات با اشخاص وابسته ندارند، مدیریت سود بیشتری دارند و هرچه حجم ریالی معاملات با اشخاص وابسته افزایش یابد، مدیریت سود افزایش پیدا خواهد کرد. از طرفی ترکیب هیئت مدیره و سهامداران نهادی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود به ترتیب اثر منفی و مثبت دارد. همچنین با توجه به نتایج متغیرهای کنترلی، اهرم مالی و عمر شرکت رابطه منفی (معکوس) و متغیر اندازه شرکت رابطه مثبت و معناداری با مدیریت سود دارند اما بین فرصت‌های رشد با مدیریت سود رابطه‌ای وجود ندارد.

حبیب زاده و جویایی (۱۳۹۹)، در پژوهشی به بررسی چگونگی تأثیر درماندگی مالی بر مدیریت سود و همچنین چگونگی تعدیل کنترل داخلی رابطه فوق پرداختند. نتایج نشان داد که درماندگی مالی تأثیر معناداری بر مدیریت سود دارد و همچنین در سایر نتایج تحقیق مشاهده شد که کنترل داخلی رابطه بین درماندگی مالی و مدیریت سود را تعدیل می‌کند.

حکیمی و رحیمی (۱۳۹۸)، در پژوهشی به بررسی نقش تعدیل‌کنندگی کیفیت حسابرسی بر اثر معاملات با اشخاص وابسته بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان داد که معاملات با اشخاص وابسته بر مدیریت سود اقلام تعهدی حسابداری تأثیر مثبت و معناداری دارد و فرضیه اول پژوهش رد نمی‌شود. همچنین معاملات با اشخاص وابسته بر مدیریت سود واقعی تأثیر مثبت و معناداری دارد و فرضیه دوم پژوهش رد نمی‌شود. اثر متقابل کیفیت حسابرسی و معاملات با اشخاص وابسته بر مدیریت سود اقلام تعهدی حسابداری تأثیر مثبت و غیرمعناداری دارد و فرضیه سوم پژوهش رد می‌شود. همچنین اثر متقابل کیفیت حسابرسی و معاملات با اشخاص وابسته بر مدیریت سود واقعی تأثیر مثبت و غیرمعناداری دارد و فرضیه چهارم پژوهش رد می‌شود.

نوروزی و شهابی (۱۳۹۸)، در پژوهشی به بررسی معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود با نقش کیفیت حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج فرضیه اول تحقیق حاکی از آن است که بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود رابطه مثبت معناداری وجود دارد. همچنین نتیجه به دست آمده از فرضیه دوم نشان‌دهنده آن است که کیفیت حسابرسی بر ارتباط بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود را تضعیف می‌کند.

قناد و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی به بررسی معاملات با اشخاص وابسته و کارا یا فرصت طلبانه بودن مدیریت سود با استفاده از یک نمونه متشکل از ۱۶۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۴ پرداخت. نتایج حاکی از وجود ارتباط مثبت و معنادار بین مدیریت سود و معاملات با اشخاص وابسته می‌باشد. افزون بر این، رابطه منفی و معناداری میان معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود فرصت طلبانه یافت شد که نشان از کارا بودن معاملات با اشخاص وابسته دارد. همچنین یافته‌ها، وجود رابطه مثبت و معنادار بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود کارا را تأیید نمود که موید کارایی معاملات با اشخاص وابسته در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

لطفعلی، گلدی پور و آریان (۱۳۹۵)، در پژوهشی به بررسی تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر مربوط بودن سود در تعیین ارزش بازار سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد مربوط بودن سود در تعیین ارزش بازار سهام در شرکت‌هایی که دارای معاملات با اشخاص وابسته از نوع فروش موجودی مواد و کالا هستند، کاهش یافته است. همچنین معاملات با اشخاص وابسته از نوع فروش دارایی ثابت تأثیر مشخصی بر مربوط بودن سود در تعیین ارزش بازار سهام شرکتها ندارد.

دارابی و داوودخانی (۱۳۹۴)، در پژوهشی به بررسی تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر ارزش شرکت-های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج حاصل از تحقیق بیان می‌دارد که بین معاملات با اشخاص وابسته و ارزش شرکت رابطه‌ی معنادار و منفی وجود دارد. بین بازده نقدی سهام و اندازه‌ی هیئت مدیره با ارزش شرکت رابطه‌ی معناداری وجود ندارد و بین اهرم مالی با ارزش شرکت رابطه‌ی معنادار منفی و بین بازده دارایی‌ها با ارزش شرکت رابطه معنادار مثبتی وجود دارد.

پیشینه خارجی

پریئو و لی (۲۰۲۳)^۵، در پژوهشی به بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی، ارزش شرکت و حاکمیت شرکتی: شواهدی از بازار کره پرداختند. نتایج نشان داد که رفتار فرصت‌طلبانه مدیریت سود واقعی مدیریت دیگر برای شرکت‌هایی که با حاکمیت شرکتی مؤثر قوی مشخص می‌شوند موثر نیست. مهمتر از آن، نتایج نشان می‌دهد حاکمیت شرکتی مؤثر نقش نظارتی مؤثری در جلوگیری از درگیر شدن مدیریت در فعالیت‌های فرصت‌طلبانه مدیریت سود واقعی ایفا می‌کند و ارزش شرکت کاهش مرتبط با فعالیت‌های مدیریت سود واقعی را تجربه نمی‌کند.

اسماعیل، الدیب و حلیم (۲۰۲۳)^۶، در پژوهشی به بررسی تاثیر معاملات اشخاص مرتبط بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و ارزش شرکت (شواهدی از مصر)، پرداختند. یافته‌ها حاکی از آن است که شرکت‌های مصری بسیار تحت‌تاثیر هیئت‌مدیره یا مالکان مرتبط با سیاسی قرار دارند، و این به‌طور قابل‌توجهی زمانی وجود دارد که با معاملات اشخاص مرتبط مرتبط باشد، با وجود آن، شیوه‌های حاکمیت شرکتی می‌تواند چنین اثراتی را کاهش دهد.

زیمون و همکاران (۲۰۲۱)^۷، در پژوهشی به بررسی اثرات مدیریت سود و معاملات با اشخاص وابسته بر عملکرد مالی شرکت در یک بازار در حال ظهور، پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که ارتباط منفی بین مدیریت سود واقعی و وضعیت مالی شرکت وجود دارد، در حالی که مدیریت سود مبتنی بر تعهدی و ارزش شرکت همبستگی مثبت داشت. با این حال، زمانی که شاخص کیو توبین به عنوان پروکسی برای عملکرد شرکت تعریف می‌شود، هیچ ارتباط قابل‌توجهی بین آنها پیدا نمی‌کنیم. مطابق با فرضیه تونل زنی یا تئوری نمایندگی، یافته‌های ما تایید می‌کند که معاملات با اشخاص وابسته به ارزش شرکت آسیب می‌رساند زیرا مدیران احتمالاً آن را مکانیزمی برای بهره‌برداری از منابع سازمانی به دلیل منافع متضاد موجود می‌دانند. علاوه بر این، تراکنش‌های طرف مربوط به خرید منجر به بازده دارایی پایین‌تر می‌شود، در حالی که معاملات طرف مرتبط با فروش و Q توبین دارای همبستگی منفی هستند. علاوه بر این، کنترل داخلی ضعیف تأثیر تعدیل‌کننده مثبتی بر ارتباط بین مدیریت سود و شاخص Q توبین دارد.

آل هلالی و همکاران (۲۰۱۸)^۸، در پژوهشی به بررسی ارتباط بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود با نقش تعدیل‌گر کیفیت حسابرسی در شرکتهای پذیرفته شده بورس اوراق بهادار آتن طی سالهای ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴ پرداختند. نتایج آنان نشان داد که معاملات با اشخاص وابسته باعث افزایش مدیریت سود می‌گردد و کیفیت حسابرسی به عنوان یک متغیر تعدیل‌گر منجر به کاهش این ارتباط می‌گردد.

پوزولی و ونوتی (۲۰۱۳)^۹، در پژوهشی به بررسی رابطه بین معاملات اشخاص وابسته و عملکرد مالی شرکت‌های بورس ایتالیا طی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۰ پرداختند. با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌های مرتبط، بین معاملات اشخاص مرتبط و نتایج عملکرد مالی شرکت‌ها همبستگی ندارند و هیچ مدرکی دال بر رابطه علت-معلولی وجود ندارد. بنابراین، معاملات اشخاص مرتبط - به لطف وجود مکانیسم‌های کنترلی - وسیله‌ای که شرکت‌های فهرست‌شده ایتالیایی برای تحقق مدیریت سود، به‌ویژه هموارسازی سود استفاده می‌کنند، به نظر نمی‌رسد.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از منظر فرآیند اجرا یک پژوهش کمی، از منظر نتیجه اجرای آن یک پژوهش کاربردی، از منظر هدف اجرا یک پژوهش تحلیلی (به روش همبستگی)، از منظر منطق اجرا یک پژوهش قیاسی-استقرایی و از منظر بعد زمانی یک پژوهش طولی (پس رویدادی) است. که بر مبنای تجزیه و تحلیل اطلاعات گذشته و تاریخ مندرج در صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران انجام می‌گیرد. همچنین این پژوهش از نوع مطالعه کتابخانه‌ای - علی‌بنده که برای تحلیل داده‌ها از داده‌های تابلویی (پانل دیتا) استفاده خواهد شد.

شرح روش و ابزار گردآوری داده‌ها

اطلاعات مورد استفاده در این پژوهش با استفاده از روش اسناد کاوی یا روش کتابخانه‌ای به معنای گردآوری داده‌ها از طریق کاوش اینترنتی و مراجعه به بانک‌های اطلاعاتی و صورت‌های مالی و یادداشت‌های پیوست صورت‌های مالی از اطلاعات اولیه تابلوی بورس (گردآوری شده در نرم‌افزار ره-آورد نوین و تدبیر پرداز و بانک اطلاعاتی اداره آمار شرکت بورس) انجام خواهد شد.

جامعه آماری و نمونه‌گیری

در این پژوهش، جامعه مورد بررسی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با ویژگی‌های زیر می‌باشد:

۱. دوره مالی آن‌ها به پایان اسفند ماه هر سال ختم شود.
۲. در طول دوره پژوهش تغییر در دوره مالی نداشته باشند، تا نتایج عملکرد مالی، قابل مقایسه باشند.
۳. جزء شرکت‌های فعال در حوزه فعالیت‌های مالی، از جمله شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها، بیمه‌ها و موسسات مالی نباشند.

3 Prieto & Lee 5
 3 Ismail, El-Deeb & Halim 6
 3 El-Helaly et al 7
 3 Pozzoli & Venuti 8

۴. داده های مورد نیاز جهت متغیرهای تحقیق در طول دوره زمانی ۱۳۹۳ الی ۱۴۰۰ موجود باشند.

۵. در طول سال مالی بیش از ۶ ماه توقف معاملاتی نداشته باشند.

متغیرهای پژوهش

در پژوهش حاضر جهت بررسی رابطه بین مدیریت سود و عملکرد شرکت با نقش تعدیلگری کنترل داخلی از مدل پیشنهادی پژوهش زمون و همکاران (۲۰۲۱)، استفاده خواهد شد که به شرح زیر می باشد:

$$ROA_{it} = \beta_0 + \beta_1 REM_{it} + \beta_2 AEM_{it} + \beta_3 (PRT - Purchase)_{it} + \beta_4 (PRT - Sale)_{it} + \beta_5 (PRT - Loan)_{it} + \beta_6 (REM \times IC)_{it} + \beta_7 (AEM \times IC)_{it} + \beta_8 ((PRT - Purchase) \times IC)_{it} + \beta_9 ((PRT - Sale) \times IC)_{it} + \beta_{10} ((PRT - Loan) \times IC)_{it} + \beta_{11} SIZE_{it} + \beta_{12} LEV_{it} + \beta_{13} GROWHS_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر وابسته

متغیر وابسته در پژوهش حاضر عملکرد شرکت می باشد. جهت محاسبه عملکرد شرکت از نرخ بازده دارایی های شرکت (ROA_{it}) استفاده خواهد شد. برای محاسبه نرخ بازده دارایی شرکت از سود قبل از بهره و مالیات تقسیم بر مجموع دارایی های شرکت استفاده خواهد شد (اورادی و همکاران، ۲۰۱۷؛ مرادی و همکاران، ۲۰۲۴).

متغیرهای مستقل

۱- مدیریت سود واقعی REM_{it} :

مدیریت سود واقعی ترکیبی از هزینه های تولید غیرعادی ($PROD_{it}$)، مخارج اختیاری غیرعادی ($DISEXP_{it}$) و سطوح غیرعادی جریان نقد عملیاتی (CFO_{it}) است. در این تحقیق، محاسبه مدیریت سود واقعی به شرح زیر است (متزکر و سیکلوا، ۲۰۲۴):
الف: برای محاسبه هزینه های تولید غیرعادی، ابتدا مدل زیر در سطح کل داده ها برآورد می شود:

$$PROD_{it}/A_{i,t-1} = \alpha_0 + \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{S_{it}}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{\Delta S_{it}}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_4 \left(\frac{\Delta S_{i,t-1}}{A_{i,t-1}} \right) \varepsilon_{it}$$

ب: برای محاسبه مخارج اختیاری غیرعادی نیز مطابق روش فوق، مدل زیر در سطح کل داده ها برآورد می شود:

$$DISEXP_{it}/A_{i,t-1} = \alpha_0 + \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{S_{it}}{A_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{it}$$

ج: برای محاسبه جریان نقدی غیرعادی نیز مطابق روش فوق، مدل زیر در سطح کل داده ها برآورد می شود:

$$CFO_{it}/A_{i,t-1} = \alpha_0 + \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{S_{it}}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{\Delta S_{it}}{A_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{it}$$

۲- مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی (AEM_{it}):

در پژوهش حاضر جهت محاسبه مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی از فرمول زیر استفاده خواهد شد (متزکر و سیکلوا، ۲۰۲۱؛ استراکووا و سوابوا، ۲۰۲۴):

$$AEM_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CF_{i,t-1} + \beta_2 CF_{i,t} + \beta_3 CF_{i,t+1} + \beta_4 \Delta Sales_{i,t} + \beta_5 PPE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

۳- معاملات مربوط به خرید $(PRT - Purchase)_{it}$:

به عنوان مجموع قیمت های معامله اشخاص مرتبط با خرید افشا شده در یادداشت های صورت های مالی سالانه تقسیم بر دارایی های ابتدایی شرکت ها محاسبه می شود (جعفر نوده و گرایلی، ۲۰۲۰).

$$\text{خرید} \\ \text{بهای تمام شده} = \frac{\text{معاملات مربوط به خرید}}{\text{خرید}}$$

۴- معاملات مربوط به فروش $(PRT - Sale)_{it}$:

به عنوان مجموع قیمت های معاملات افشا شده با اشخاص وابسته به فروش در یادداشت های صورت های مالی سالانه تقسیم بر دارایی های ابتدایی شرکت ها محاسبه می شود (جعفر نوده و گرایلی، ۲۰۲۰).

$$\text{فروش خرید} \\ \text{جمع فروش} = \frac{\text{معاملات مربوط به فروش}}{\text{فروش}}$$

3 Oradi et al	9
4 Moradi et al	0
4 Metzker and Siekelova	1
4 Strakova and Svabova	2
4 Jaafar Nodeh and Gerayli	3

۵-معاملات مربوط به وام $(PRT - Loan)_{it}$:

به عنوان مجموع قیمت معاملات اشخاص وابسته به وام افشا شده در یادداشت‌های صورت‌های مالی سالانه تقسیم بر دارایی‌های ابتدایی شرکت‌ها محاسبه می‌شود (جعفر نوده و گرایلی ۲۰۲۰).

$$\text{معاملات مربوط به وام} = \frac{\text{وام}}{\text{جمع تسهیلات}}$$

متغیر تعدیلگر (IC_{it}) :

در پژوهش حاضر کیفیت کنترل داخلی متغیر تعدیلگر می باشد. اگر در گزارش حسابرسی بند کنترل داخلی دارد عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر را دارا می باشد.

متغیرهای کنترلی

- ۱- اندازه شرکت $(SIZE_{it})$: برای محاسبه اندازه شرکت از لگاریتم طبیعی دارایی‌های شرکت استفاده خواهد شد.
- ۲- اهرم مالی (LEV_{it}) : اهرم مالی از طریق نسبت ارزش دفتری کل بدهی بر ارزش دفتری کل دارایی محاسبه می‌شود.
- ۳- رشد درآمد فروش $(GROWHS_{it})$: رشد فروش شرکت می‌تواند عاملی موثر بر اجتناب مالیاتی شرکتها محسوب شود. لذا در این تحقیق برای اندازه گیری رشد فروش، از نرخ رشد درآمد فروش هر سال نسبت به سال قبل استفاده می‌شود.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور توصیف یافته‌ها از جداول و نمودارهای فراوانی استفاده شد. از آمار توصیفی برای نشان دادن شاخص‌های آماری مرکزی و پراکندگی مانند میانگین؛ انحراف معیار؛ چولگی و کشیدگی و رسم نمودارها و جداول استفاده شد. به منظور آزمون فرضیه تحقیق از مدل رگرسیون و ضریب همبستگی استفاده گردید. علت بکارگیری مدل رگرسیون و ضریب همبستگی در تحقیق حاضر این است که تحقیق حاضر از نظر ماهیت یک تحقیق همبستگی است و سعی در بیان سنجش و بیان روابط بین متغیرها دارد که، برای این منظور از تجزیه و تحلیل رگرسیون و ضریب همبستگی استفاده شد. لازم به ذکر است برای تحلیل داده‌ها شامل پردازش داده‌ها از نرم افزار Excel و برای تحلیل داده‌ها از نرم افزار Eviews استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

همان طور که گفته شد ابتدا پیش فرض‌های مدل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

آزمون‌های صحت برازش مدل‌های پژوهش

جهت بررسی صحت استفاده از متغیرهای این تحقیق در رگرسیون حداقل مربعات باید فرض کلاسیک رگرسیون حداقل مربعات برای پسماندهای مدل برازش شده تأمین شود. بدین منظور در ادامه فرض کلاسیک حداقل مربعات مورد بررسی واقع گردید و از آنجایی که قدر مطلق مقدار آماره t این آزمون $۶/۷۰۹۷$ و $۸/۰۱۷۴$ می باشد، و از آنجایی که این مقادیر بیشتر از مقدار استاندارد $۱/۹۶$ می باشند، بنابراین صفر پژوهش رد و فرض مقابل مبنی بر وجود هم انباشتگی بین متغیرهای پژوهش پذیرفته می شود. همچنین مقدار احتمال این آزمون نیز دلالت بر وجود هم انباشتگی بین متغیرهای پژوهش دارد. زیرا مقدار احتمال به دست آمده $۰/۰۰۸۹$ و $۰/۰۰۰۰$ بوده که این مقدار کمتر از مقدار استاندارد $۰/۰۵$ می باشند.

نرمال بودن پسماندها

در پژوهش حاضر جهت بررسی نرمال بودن پسماندهای مدل‌های پژوهش از آزمون جارک-برا یا به اختصار JB استفاده شد و با توجه به اینکه مقدار احتمال به دست آمده از آزمون نرمال بودن پسماندهای مدل اول و دوم به ترتیب $۰/۲۵۵۶$ و $۰/۹۳۸۷$ بود و از آنجایی که این مقادیر از مقدار استاندارد $۰/۰۵$ بیشتر می‌باشند، بنابراین فرض صفر پژوهش پذیرفته شده و پسماندهای مدل نرمال می‌باشند.

آزمون ریشه واحد پانل برای پایایی متغیرها

یافته‌ها نشان داد مقدار احتمال تمامی متغیرها کمتر از مقدار استاندارد $۰/۰۵$ می باشد. بنابراین فرضیه صفر پژوهش رد و فرضیه مقابل مبنی بر مانا بودن متغیرها پذیرفته می شود. همچنین نتایج نشان داد تمامی متغیرها مانا در سطح $(I(0))$ می باشند.

آزمون چاو (F لیمر)

با توجه به اینکه مقادیر احتمال آزمون F لیمر $(۰/۰۰۰۰)$ و $(۰/۰۰۰۰)$ برای دو مدل کمتر از مقدار استاندارد $۰/۰۵$ می باشند، بنابراین فرض صفر این آزمون رد و داده‌های پنل تایید و داده‌های تلفیقی رد می شود.

آزمون هاسمن و انتخاب اثرات ثابت یا تصادفی

نتیجه آزمون هاسمن بیانگر تایید اثرات ثابت در برابر اثرات تصادفی است. زیرا مقدار احتمال این آزمون ۰/۰۰۴۶ و ۰/۰۰۰۰ می باشد که کمتر از مقدار استاندارد ۰/۰۵ است. بنابراین مدل های این تحقیق باید به صورت اثرات ثابت تخمین زده شود.

روش تخمین و تفسیر مدل اول پژوهش

جدول ۱. نتایج آزمون پانل مدل اول پژوهش

$$ROA_{it} = \beta_0 + \beta_1 REM_{it} + \beta_2 AEM_{it} + \beta_3 (PRT - Purchase)_{it} + \beta_4 (PRT - Sale)_{it} + \beta_5 (PRT - Loan)_{it} + \beta_6 (REM \times IC)_{it} + \beta_7 (AEM \times IC)_{it} + \beta_8 ((PRT - Purchase) \times IC)_{it} + \beta_9 ((PRT - Sale) \times IC)_{it} + \beta_{10} ((PRT - Loan) \times IC)_{it} + \beta_{11} SIZE_{it} + \beta_{12} LEV_{it} + \beta_{13} GROWTH_{it} + \varepsilon_{it}$$

اختصار	متغیر	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
REM	مدیریت سود واقعی	0.226725	0.108170	2.096005	0.0377
AEM	مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی	0.116655	0.011745	9.931977	0.0000
PRT - Purchase	معاملات مربوط به خرید	0.024721	0.007867	3.142539	0.0020
PRT - Sale	معاملات مربوط به فروش	0.306493	0.228870	1.339159	0.1824
PRT - Loan	معاملات مربوط به وام	0.154500	0.201814	0.765558	0.4451
IC	کیفیت کنترل داخلی	0.485135	0.197244	2.459562	0.0000
REM × IC	مدیریت سود واقعی * کیفیت کنترل داخلی	0.283795	0.112761	2.516781	0.0000
AEM × IC	مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی * کیفیت کنترل داخلی	0.009402	0.050882	0.184778	0.8536
(PRT - Purchase) × IC	معاملات مربوط به خرید * کیفیت کنترل داخلی	0.099827	0.020872	4.782843	0.0000
(PRT - Sale) × IC	معاملات مربوط به فروش * کیفیت کنترل داخلی	4.954322	2.542257	1.948789	0.0531
(PRT - Loan) × IC	معاملات مربوط به وام * کیفیت کنترل داخلی	0.186880	0.066910	2.792997	0.0049
LEV	اهرم مالی	0.202366	0.211451	0.957035	0.3400
SIZE	اندازه شرکت	0.230735	0.112620	2.048788	0.0421
GROWTH	رشد شرکت	0.026943	0.056787	0.474454	0.6358
C	عرض از مبدا	-1.555605	2.143473	-0.725740	0.4691

$D.W = 2.1933$
 $probF = 0.000$
 $R^2 = 0.9384$

ماخذ: یافته های پژوهش

همانطور که ضریب تعیین (۰/۹۳۸۴) مدل نشان می دهد، متغیرهای مستقل توانسته اند ۹۳/۸۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته را پیش بینی کنند. بعبارتی قدرت توضیح دهندگی مدل ۹۸/۸۴ درصد می باشد. آماره F وسط معنی داری مربوط و مقایسه آن با سطح خطای (۰/۰۰۰)، بیانگر معنی دار بودن مدل در سطح اطمینان ۹۹ درصد می باشد. آمار دوربین-واتسون نیز برابر با ۲/۱۹۳۳ است که وجود خود همبستگی سریالی (مرتب اول) را در بین اجزای اخلاص رگرسیون رد می نماید. رد خود همبستگی سریالی (مرتب اول) را در بین اجزای اخلاص رگرسیون نشان دهنده این است که ضرایب رگرسیونی مدل و ضریب تعیین کاذب نمی باشند.

روش تخمین و تفسیر مدل دوم پژوهش

جدول ۲. نتایج آزمون پانل مدل دوم پژوهش

$$Q\ Toobin_{it} = \beta_0 + \beta_1 REM_{it} + \beta_2 AEM_{it} + \beta_3 (PRT - Purchase)_{it} + \beta_4 (PRT - Sale)_{it} + \beta_5 (PRT - Loan)_{it} + \beta_6 (REM \times IC)_{it} + \beta_7 (AEM \times IC)_{it} + \beta_8 ((PRT - Purchase) \times IC)_{it} + \beta_9 ((PRT - Sale) \times IC)_{it} + \beta_{10} ((PRT - Loan) \times IC)_{it} + \beta_{11} SIZE_{it} + \beta_{12} LEV_{it} + \beta_{13} GROWTH_{it} + \varepsilon_{it}$$

اختصار	متغیر	Coeffi/cient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
REM	مدیریت سود واقعی	0.385621	0.135246	2.851252	0.0000
AEM	مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی	-0.369851	0.890166	-0.415485	0.1254
PRT - Purchase	معاملات مربوط به خرید	0.569852	0.120089	4.745212	0.0036
PRT - Sale	معاملات مربوط به فروش	0.658521	0.249890	2.635241	0.0000
PRT - Loan	معاملات مربوط به وام	0.412562	0.109561	3.765558	0.0001
IC	کیفیت کنترل داخلی	0.321523	0.194609	1.652145	0.4125
REM × IC	مدیریت سود واقعی* کیفیت کنترل داخلی	0.014582	0.035119	0.415215	0.32514
AEM × IC	مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی* کیفیت کنترل داخلی	0.124522	0.046838	2.658542	0.0000
(PRT - Purchase) × IC	معاملات مربوط به خرید* کیفیت کنترل داخلی	0.856521	0.241808	3.542152	0.0426
(PRT - Sale) × IC	معاملات مربوط به فروش* کیفیت کنترل داخلی	0.745821	0.251523	2.965214	0.0000
(PRT - Loan) × IC	معاملات مربوط به وام* کیفیت کنترل داخلی	0.635841	0.177865	3.574851	0.0000
LEV	اهرم مالی	-0.253854	0.340645	-0.745214	0.6854
SIZE	اندازه شرکت	0.091854	0.033372	2.752418	0.0000
GROWTH	رشد شرکت	0.254258	0.067657	3.758042	0.0000
C	عرض از مبدا	1.325414	0.235193	5.635421	0.0000

D. W = 1.9852
probF = 0.000
R² = 0.7542

ماخذ: یافته های پژوهش

همانطور که ضریب تعیین (۰/۷۵۴۲) مدل نشان می دهد، متغیرهای مستقل توانسته اند ۷۵/۴۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را پیش بینی کنند. عبارتی قدرت توضیح دهندگی مدل ۷۵/۴۲ درصد می باشد. آماره F وسط معنی داری مربوط و مقایسه آن با سطح خطای (۰/۰۰۰)، بیانگر معنی دار بودن مدل در سطح اطمینان ۹۹ درصد می باشد. آمار دوربین-واتسون نیز برابر با ۱/۹۸۵۱ است که وجود خود همبستگی سریالی (مرتب اول) را در بین اجزای اخلاص رگرسیون رد می نماید. رد خود همبستگی سریالی (مرتب اول) را در بین اجزای اخلاص رگرسیون نشان دهنده این است که ضرایب رگرسیونی مدل و ضریب تعیین کاذب نمی باشند.

نتایج حاصل از مدل پژوهش نشان داد که بین مدیریت سود واقعی و عملکرد مالی شرکتها رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد زیرا مقدار احتمال بدست آمده (۰/۰۳۷۷) کمتر از مقدار استاندارد ۰/۰۵ می باشد. ضریب ۰/۲۲۶۷ نشان دهنده این موضوع می باشد که با افزایش مدیریت سود واقعی به اندازه یک واحد، میزان عملکرد مالی شرکت ها به اندازه ۰/۲۲۶۷ واحد افزایش خواهد یافت.

با توجه به نتایج، بین مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و عملکرد مالی شرکتها رابطه مثبت و معنی-داری وجود دارد زیرا مقدار احتمال بدست آمده (۰/۰۰۰۰) کمتر از مقدار استاندارد ۰/۰۵ می باشد. ضریب ۰/۱۱۶۶ نشان دهنده این موضوع می باشد که با افزایش مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی به اندازه یک واحد، میزان عملکرد مالی شرکت ها به اندازه ۰/۱۱۶۶ واحد افزایش خواهد یافت.

نتایج نشان داد، بین معاملات مربوط به خرید و نرخ بازده دارایی شرکتها رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد زیرا مقدار احتمال بدست آمده (۰/۰۰۲) کمتر از مقدار استاندارد ۰/۰۵ می باشد. ضریب ۰/۰۲۴۷ نشان دهنده این موضوع می باشد که با افزایش معاملات مربوط به خرید به اندازه یک واحد، میزان نرخ بازده دارایی شرکت ها به اندازه ۰/۰۲۴۷ واحد افزایش خواهد یافت.

با توجه به نتایج، بین معاملات مربوط به فروش و نرخ بازده دارایی شرکتها رابطه معنی داری وجود ندارد زیرا مقدار احتمال بدست آمده (۰/۱۸۲۴) بیشتر از مقدار استاندارد ۰/۰۵ می باشد.

با توجه به نتایج، بین معاملات مربوط به وام و نرخ بازده دارایی شرکتها رابطه معنی داری وجود ندارد زیرا مقدار احتمال بدست آمده (۰/۴۴۵۱) بیشتر از مقدار استاندارد ۰/۰۵ می باشد.

نتایج نشان داد، بین معاملات مربوط به خرید و عملکرد مالی شرکتها (Q توبین) رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد زیرا مقدار احتمال بدست آمده (۰/۰۰۳۶) کمتر از مقدار استاندارد ۰/۰۵ می باشد. ضریب ۰/۵۶۹۸ نشان دهنده این موضوع می باشد که با افزایش معاملات مربوط به خرید به اندازه یک واحد، میزان عملکرد مالی شرکت ها به اندازه ۰/۵۶۹۸ واحد افزایش خواهد یافت.

نتایج نشان داد، بین معاملات مربوط به فروش و عملکرد مالی شرکتها (Q توبین) رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد زیرا مقدار احتمال بدست آمده (۰/۰۰۰۰) کمتر از مقدار استاندارد ۰/۰۵ می باشد. ضریب ۰/۶۵۸۵ نشان دهنده این موضوع می باشد که با افزایش معاملات مربوط به فروش به اندازه یک واحد، میزان Q توبین شرکت ها به اندازه ۰/۶۵۸۵ واحد افزایش خواهد یافت.

نتایج نشان داد، بین معاملات مربوط به وام و عملکرد مالی شرکتها (Q توبین) رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد زیرا مقدار احتمال بدست آمده (۰/۰۰۰۱) کمتر از مقدار استاندارد ۰/۰۵ می باشد. ضریب ۰/۴۱۵۲ نشان دهنده این موضوع می باشد که با افزایش معاملات مربوط به وام به اندازه یک واحد، میزان عملکرد مالی شرکت ها به اندازه ۰/۴۱۵۲ واحد افزایش خواهد یافت.

نتایج نشان داد، کیفیت کنترل داخلی می تواند بر رابطه بین مدیریت سود واقعی و عملکرد مالی شرکتها نقش تعدیلگری ایفا کند. زیرا مقدار احتمال بدست آمده (۰/۰۰۰۰) کمتر از مقدار استاندارد ۰/۰۵ می باشد. عبارتی نتایج نشان داد که کیفیت کنترل داخلی می تواند تاثیر مدیریت سود واقعی بر عملکرد مالی شرکتها را از ۰/۲۲۶۷ به ۰/۲۸۳۷ واحد افزایش دهد.

نتایج نشان داد، کیفیت کنترل داخلی نمی تواند بر رابطه بین مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و عملکرد مالی شرکتها نقش تعدیلگری ایفا کند. زیرا مقدار احتمال بدست آمده (۰/۸۵۳۶) بیشتر از مقدار استاندارد ۰/۰۵ می باشد.

با توجه به نتایج، کیفیت کنترل داخلی نقش تعدیلگری بر رابطه بین معاملات مربوط به خرید و عملکرد مالی شرکتها دارد. زیرا مقدار احتمال بدست آمده (۰/۰۰۰۰) کمتر از مقدار استاندارد ۰/۰۵ می باشد. ضریب ۰/۰۹۹۸ بیانگر این موضوع می باشد که کیفیت کنترل داخلی رابطه بین معاملات مربوط به خرید و عملکرد مالی شرکتها را از ۰/۲۴۷۲ به ۰/۰۹۹۸۲ واحد افزایش خواهد داد.

همچنین نتایج نشان داد که کیفیت کنترل داخلی نقش تعدیلگری بر رابطه بین معاملات مربوط به فروش و عملکرد مالی شرکتها ندارد. زیرا مقدار احتمال بدست آمده (۰/۰۵۳۱) بیشتر از مقدار استاندارد ۰/۰۵ می باشد.

با توجه به نتایج، کیفیت کنترل داخلی نقش تعدیلگری بر رابطه بین معاملات مربوط به وام و عملکرد مالی شرکتها دارد. زیرا مقدار احتمال بدست آمده (۰/۰۰۴۹) کمتر از مقدار استاندارد ۰/۰۵ می باشد. ضریب ۰/۱۸۶۸ بیانگر این موضوع می باشد که کیفیت کنترل داخلی رابطه بین معاملات مربوط به وام و عملکرد مالی شرکتها را به ۰/۰۹۹۸۲ واحد افزایش خواهد داد.

نتیجه گیری

امروزه حداکثر سازی سود یکی از اهداف اصلی شرکت ها در دنیای تجارت پیچیده و بسیار رقابتی است. بنابراین نمی توان نقش مهم صورت های مالی را در بازار سرمایه نادیده گرفت. طبق هیئت استانداردهای حسابداری بین المللی، هدف گزارشگری مالی ارائه اطلاعاتی است که برای سرمایه گذاران، اعتباردهندگان و سایرین در اتخاذ تصمیمات سرمایه گذاری، اعتبار و تخصیص منابع مفید باشد (سوانسکی، ۲۰۲۰). با تکیه بر نظریه نمایندگی (راس، ۱۹۷۳)، انگیزه ارائه نادرست عملکرد شرکت ریشه در تضاد منافع بین مدیران و سهامداران به دلیل جدایی مالکیت از مدیریت دارد (حسن و احمد، ۲۰۱۲؛ صالحی و همکاران، ۲۰۱۹؛ د-اودکم، ۲۰۲۰). برای بهبود گزارشگری مالی، مدیران مجازند در اتخاذ روش های گزارشگری که با اقتصاد شرکت مطابقت دارد، قضاوت کنند. با این حال، فرصت هایی را برای آنها ایجاد می کند تا سود را دستکاری کنند. مدیران سعی می کنند گام های آگاهانه ای را در محدوده اصول پذیرفته شده حسابداری بردارند تا سود گزارش شده را در سطح سود مطلوب ببندند (صالحی و همکاران، ۲۰۲۰). با توجه به اینکه صورت های مالی عملکرد شرکت را همراه با شایستگی مدیریتی منعکس می کنند، مدیران احتمالاً در تحریف درآمدها در چارچوب نظارتی شرکت می کنند تا القا کنند که مدیران خوبی هستند (حسن و احمد، ۲۰۱۲). نتایج پژوهش نشان داد بین مدیریت سود واقعی و نرخ بازده دارایی های شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. به بیان دیگر، با مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری سطح هزینه های تولید غیرعادی، عملکرد مالی شرکت ناشی از جریان نقد آزاد افزایش یافته است. این نتیجه با نتایج پژوهش پرییتو و لی (۲۰۲۲) همسو می باشد.

نتایج پژوهش نشان داد که بین مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و نرخ بازده دارایی های شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. به بیان دیگر، با مدیریت سود تعهدی از طریق دستکاری ارقام تعهدی اختیاری، عملکرد مالی شرکت ناشی از جریان نقد آزاد افزایش یافته است. این نتیجه با نتایج پژوهش پرییتو و لی (۲۰۲۲) همسو می باشد.

نتایج نشان داد که کیفیت کنترل داخلی بر عملکرد مالی شرکتها موثر است. عبارتی ضعف در کنترل داخلی باعث کاهش عملکرد مالی و بهبود کیفیت کنترل داخلی باعث افزایش عملکرد مالی شرکتها خواهد شد. این نتیجه با نتایج پژوهش حبیب زاده و جویایی (۱۳۹۹) همسو می باشد.

نتایج نشان داد که کنترل داخلی بر رابطه بین مدیریت سود واقعی و عملکرد مالی شرکت موثر بوده ولی نمی تواند بر رابطه بین مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و عملکرد مالی شرکت موثر باشد. این نتیجه با نتایج پژوهش رازمنش و نبی زاده (۱۴۰۰) همسو می باشد.

نتایج پژوهش نشان داد که معاملات مربوط به خرید، فروش و وام بر عملکرد مالی از طریق نسبت Q توین موثر است. نتیجه به دست آمده از نتایج را می توان اینگونه استدلال کرد، هنگامی که شرکت معاملاتی را با اشخاص وابسته انجام می دهد، مدیریت سود وجود دارد. این نتیجه با نتایج پژوهش قناد و همکاران (۱۳۹۷)، لطفعلی پور و همکاران (۱۳۹۵)، دارابی و داوودخانی (۱۳۹۴)، اسماعیل و همکاران (۲۰۲۲)، پوزولی و ونوتی (۲۰۱۴) و زیمون و همکاران (۲۰۲۱) همسو می باشد.

نتایج پژوهش نشان داد که کیفیت کنترل داخلی بر رابطه بین معاملات مربوط به خرید و وام با عملکرد مالی شرکت موثر است ولی نمی تواند بر رابطه بین معاملات مربوط به فروش و عملکرد مالی شرکت موثر باشد. این نتیجه با نتایج پژوهش مزرویی نوده و همکاران (۱۴۰۰)، حکیمی و رحیمی (۱۳۹۸)، نوروزی و شهبابی (۱۳۹۸) و آل هلالی و همکاران (۲۰۱۸) همسو می باشد.

بر اساس پژوهش حاضر پیشنهادهایی برای پژوهش های آتی بیان می شود:

- به علت اعمال برخی معیارهای گزینشی (سال مالی منتهی به پایان اسفند، عدم تغییر سال مالی، افشای گزارش کنترلهای داخلی و ...) در انتخاب شرکتها مورد مطالعه، تعداد شرکتها به ۱۲۱ مورد کاهش یافته است. بنابراین تسری تسری نتایج به سایر شرکتها باید با احتیاط صورت پذیرد.
- با توجه به اینکه یکی از انواع مدیریت سود، مدیریت واقعی سود است که مطابق با تحقیقات قبلی در کشور ایران مورد توجه مدیران شرکتها می باشد، پیشنهاد می شود فرضیه های این تحقیق با در نظر گرفتن مدیریت واقعی سود در تحقیقات آتی مجدداً مورد آزمون قرار گیرد.
- بررسی اثربخشی کنترلهای داخلی در شرکتها ایرانی، بر اساس دستورالعمل کنترلهای داخلی سازمان بورس و اوراق بهادار.
- پیشنهاد می شود که در تحقیقات آتی تاثیر مدیریت واقعی سود بر دیگر شاخص های عملکرد مالی مانند جریانهای نقدی عملیاتی سالهای بعد مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان بطور کلی در مورد تاثیر مدیریت واقعی سود بر عملکرد مالی قضاوت کرد

ملاحظات اخلاقی

موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع

تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان

نگارش مقاله تماماً توسط نویسندگان بصورت مشترک و برابر انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی

از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش

این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

References

- Ajina, A., & Habib, A. (2017). Examining the relationship between Earning management and market liquidity. *Research in International Business and Finance*, 42, 1164-1172.
- Azizah, W. (2017). Opportunistic perspective off accrual and real earnings management in Indonesia. *IOSR Journal of Business and Management*, 19(11), 1-05.
- d'Udekem, B. (2021). Agency conflicts and dividend persistence. *Journal of Financial Services Research*, 60(2-3), 207-234.
- El-Helaly, M., Georgiou, I., & Lowe, A. D. (2018). The interplay between related party transactions and earnings management: The role of audit quality. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 32, 47-60.
- Fan, Y., Barua, A., Cready, W. M., & Thomas, W. B. (2010). Managing earnings using classification shifting: Evidence from quarterly special items. *The Accounting Review*, 85(4), 1303-1323.
- Habib, A., Muhammadi, A. H., & Jiang, H. (2017). Political connections and related party transactions: Evidence from Indonesia. *The International Journal of Accounting*, 52(1), 45-63.
- Hassan, S. U., & Ahmed, A. (2012). Corporate governance, earnings management and financial performance: A case of Nigerian manufacturing firms. *American International Journal of Contemporary Research*, 2(7), 214-226.
- Healy P.M., And J. M. Wahlen , 1999, A review of earnings management literature and its implications for standard setting, *Accounting Horizons* 13 (4)(December) P:355-363
- International Fedration of Accountants (IFAC), (2012), *Evaluating and Improving Internal Control in Organizations*, IFAC0
- Ismail, T. H., El-Deeb, M., & Halim, Y. T. (2022). Do related party transactions affect the relationship between political connections and firm value? Evidence from Egypt. *Future Business Journal*, 8(1), 10.
- Kharista, M., Purnomosidhi, B., & Subekti, I. (2020). The practice of expropriation through related party transactions In Indonesia. *Jurnal Reviu Akuntansi Dan Keuangan*, 10(2), 371-383.
- Kuan, L., Tower, G., Rusmin, R., & Van der Zahn, J. W. M. (2010). Related party transactions and earnings management. *Jurnal Akuntansi dan Auditing Indonesia*, 14(2).
- Leng, J., & Li, L. (2011). Analysis of the relationship between listed companies' earnings quality and internal control information disclosure. *Modern economy*, 2(05), 893.
- Maigoshi, Z. S., Latif, R. A., & Kamardin, H. (2016). Earnings management: A case of related party transactions. *International Journal of Economics and Financial Issues*, 6(7), 51-55.
- Mardjono, E. S., & Chen, Y. S. (2020). Earning management and the effect characteristics of audit committee, independent commissioners: Evidence from Indonesia. *International Journal of Business and Society*, 21(2), 569-587.
- Muhammad, H. Migliori, S. Mohsni, S. (2021), Capital structure and firm performance: the role of corporate governance, *International Journal of Business Governance and Ethics*, 2021 Vol.15 No.4, pp.436 - 458.
- Pozzoli, M., & Venuti, M. (2014). Related party transactions and financial performance: Is there a correlation? Empirical evidence from Italian listed companies. *Open Journal of Accounting*, 2014.
- Rahmat, M. M., Muniandy, B., & Ahmed, K. (2020). Do related party transactions affect earnings quality? Evidence from East Asia. *International Journal of Accounting & Information Management*, 28(1), 147-166.
- Rodriguez-Ariza, L., Martínez-Ferrero, J., & Bermejo-Sánchez, M. (2016). Consequences of earnings management for corporate reputation: Evidence from family firms. *Accounting Research Journal*, 29(4), 457-474.
- Ross, S. A. (1973). The economic theory of agency: The principal's problem. *The American economic review*, 63(2), 134-139.
- Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation. *Journal of Accounting and Economics*, 42(3): 335-370
- Salehi, M., Lari DashtBayaz, M., Hassanpour, S., & Tarighi, H. (2020).

- Salehi, M., Tarighi, H., & Rezanezhad, M. (2019). Empirical study on the effective factors of social responsibility disclosure of Iranian companies. *Journal of Asian Business and Economic Studies*, 26(1), 34-55.
- Scott, W. R., & O'Brien, P. C. (1997). *Financial accounting theory* (Vol.3. pp.). Upper Saddle River, NJ: Prentice hall.
- Sovaniski, T. (2020). Influencing of International Accounting Reporting Standards on Quality of Financial Reports. Available at SSRN 3665457.
- Subastian, L. U., Widagdo, A. K., & Setiawan, D. (2021). Related party transactions, family ownership, and earnings management in Indonesia. *Jurnal Keuangan dan Perbankan*, 25(3), 688-700.
- The effect of managerial overconfidence on the conditional conservatism and real earnings management. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, 11(3), 708-720.
- Tulcanaza-Prieto, A. B., & Lee, Y. (2022). Real earnings management, firm value, and corporate governance: Evidence from the Korean market. *International Journal of Financial Studies*, 10(1), 19.
- Zimon, G., Appolloni, A., Tarighi, H., Shahmohammadi, S., & Daneshpou, E. (2021). Earnings management, related party transactions and corporate performance: The moderating role of internal control. *Risks*, 9(8), 146